



سیاست جنایی افتراقی حمایت از افشاگران فساد اقتصادی در نظام کیفری ایران، مصر و حقوق اسلامی

میلاذ برکت^۱، حسن حیدری^۳، منصور عطاشنه^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۴ استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی سیاست جنایی افتراقی حمایت از افشاگران فساد اقتصادی در نظام کیفری ایران، مصر و حقوق اسلامی پرداخته شده است. یکی از اساسی‌ترین معضلات کشورها فساد اداری و اقتصادی است که همواره دغدغه جوامع بوده است. در این خصوص راهکارهای متعددی چه در حوزه داخلی کشورها و چه در سطح بین‌المللی ارائه شده است عمده این راهکارها هزینه و نیروی انسانی زیادی را برای دولت‌ها به دنبال داشته است و هرروز نیز به دلیل پیچیده‌تر شدن روابط در سطح جوامع راهکارهای فنی‌تر و پرهزینه‌تری لازم است یکی از مهم‌ترین راهکارهای مبارزه با فساد اداری و اقتصادی استفاده از نیروهای اجتماعی و سهیم کردن جامعه مدنی برای نظارت بر عملکرد دولت است. این روش نه تنها نیاز به جذب نیروی انسانی ساختارها و در نتیجه هزینه‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه از طرف دیگر اعتماد عمومی را نسبت به دولت افزایش داده و احساس مسئولیت را در شهروندان تقویت می‌کند؛ و همچنین به دلیل کثرت جمعیت و پراکندگی آن در کل کشور در صورتی که به نحو مطلوبی پیاده شود، می‌تواند جامع‌تر از سایر ابزارهای مبارزه با فساد عمل کند و اگر به نحو مطلوب اجرا نشود به همان اندازه که مفید است می‌تواند خطرناک نیز باشد با توجه به مطالب فوق یک نظام افشاگری مطلوب چه ویژگی‌هایی دارد؟ در این پژوهش سعی شده تا با روش توصیفی و کتابخانه‌ای نگاهی به سیاست جنایی افتراقی حمایت از افشاگران فساد در نظام کیفری ایران صورت بگیرد.

واژه‌های کلیدی: سیاست جنایی افتراقی، حمایت از افشاگران، فساد مالی و اقتصادی، نظام کیفری ایران و مصر و حقوق اسلامی

۱ - مقدمه

یکی از اساسی‌ترین معضلات کشورهای فساد اداری و اقتصادی است که همواره دغدغه جوامع بوده است. در این خصوص راهکارهای متعددی چه در حوزه داخلی کشورها و چه در سطح بین‌المللی ارائه شده است عمده این راهکارها هزینه و نیروی انسانی زیادی را برای دولت‌ها به دنبال داشته است و هرروز نیز به دلیل پیچیده‌تر شدن روابط در سطح جوامع راهکارهای فنی‌تر و پرهزینه‌تری لازم است یکی از مهم‌ترین راهکارهای مبارزه با فساد اداری و اقتصادی استفاده از نیروهای اجتماعی و سهیم کردن جامعه مدنی برای نظارت بر عملکرد دولت است؛ به‌طور خاص یکی از مصادیق ابزارهای اجتماعی مبارزه با فساد افشاگری است. این روش از یک‌طرف نیاز به جذب نیروی انسانی را کاهش داده هزینه کمتری را برای دولت به دنبال دارد و به دلیل پراکندگی و کثرت، جمعیت به‌عنوان ابزار نظارتی مستمر و گسترده عمل می‌کند؛ از طرف دیگر، اعتماد عمومی را افزایش داده آنان را از امور عمومی و دولتی آگاه کرده و زمینه نظارت و نقد عملکرد دولت را نیز فراهم می‌کند؛ و مهم‌تر از همه باعث مسئولیت‌پذیری شهروندان و بسیج همگانی در این حوزه می‌شود. (حاجی ده‌آبادی ۱۳۸۳: ۹۳) پایداری زندگی اجتماعی نیازمند احساس مسئولیت شهروندان آن است فرد نمی‌تواند نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند بی‌تفاوت باشد و به گفته مارتین لوتر زندگی ما روزی شروع به پایان خواهد نمود که ما در خصوص مسائل پیرامونمان سکوت کنیم.» (Barman, ۲۰۱۱).

کشورهای زیادی از توسعه‌یافته گرفته تا در حال توسعه از این ظرفیت برای مبارزه با فساد اقتصادی استفاده کرده‌اند و نه تنها در بخش دولتی بلکه در بخش خصوصی نیز اعمال می‌شود گرچه برخی از آن‌ها وضعیت کنشگران داشته و تلاش می‌کنند تا فرهنگ‌سازمانی را با قبولاندن مسئله افشاگری در مبارزه با فساد جا بیندازند اما. برخی دیگر با استقرار یکسری رویه‌ها و انگیزه‌ها زمینه را برای افراد فراهم کرده‌اند تا بتوانند بدون ترس و حتی پاداش دست به این کار بزنند. در ایران نیز به این مسئله تا حدی توجه شده و در ماده ۱۷ قانون ارتقای سلامت نظام اداری (مصوب ۱۳۸۷ به حمایت از مخبرین و گزارش دهندگان پرداخته است. به نظر می‌رسد که در این زمینه چندان موفق نبوده‌ایم به همین مناسبت در جهت اجرای هرچه مطلوب‌تر آن اخیراً نمایندگان طرحی را به مجلس ارائه داده‌اند که به نظر چندان کارشناسی شده نیست. در این مقاله سعی شده تا با استفاده از تجربیات سایر کشورها ابعاد مختلف افشاگری تبیین و ارزیابی شده و ضمن شناسایی موانع آن اصول و قواعد راهنمای حاکم بر افشاگری مطلوب و اثربخش استخراج شود.

۱ - مبانی

افشاگری یا گزارش دهی در لغت به معنای سوت زدن است و در اصطلاح تعاریف زیادی از آن شده است. آنچه از مجموع آن‌ها می‌توان استنباط کرد، این است که افشاگری به معنای افشا یا گزارشی است که توسط اعضای یک سازمان اعم از اعضای سابق و کنونی و یا شهروندان در خصوص اعمال غیرقانونی نامشروع و غیراخلاقی که تحت نظارت مدیران و کارفرمایان است به مقامات و نهادهایی که قادر به تأثیرگذاری بر آن‌ها هستند صورت می‌گیرد البته برخی تعاریف متمرکز بر بعد درون سازمانی است؛ از جمله سازمان بین‌المللی کار افشاگری را این‌گونه تعریف کرده است: گزارشی است از عملکرد غیرقانونی و خلاف مقررات غیراخلاقی و خطرناک کارفرما یا سایر کارکنان که توسط کارکنان یا کارکنان سابق اعلام می‌شود.» (OECD) ۸:۲۰۱۱).

برخی نیز آن را عنصری از آزادی سخنرانی و حق افراد به بیان مخالفت خود می‌دانند.

البته افشاگری همیشه موافقین نداشته است. پیتر دراکر و میلتون فریدمن افشاگر را به‌عنوان خانن در جامعه تلقی می‌کنند و معتقدند که جوامع غربی که خبرچین را تشویق می‌کنند و افشاگری وجود دارد، پر از خون و خونریزی بوده و این نظام‌ها استبدادهای بدنام تلقی می‌شوند که در آن‌ها نه اعتماد دوطرفه وجود دارد، نه وابستگی وجود دارد و نه اخلاق. اما در عمل از آنجا که اکثر کشورها آن

¹ Martin Luther

² Whistle Blowing

³ Peter Drucker

⁴ Milton Fridman

را در نظام حقوقی خود پذیرفته‌اند، امروزه نمی‌توان منکر این روش در امر مبارزه با فساد شد و بلکه برعکس دیدگاه فوق، این راهکار متفاوت از سایر ابزارهای مبارزه با فساد است که با تشویق شهروندان به نظارت بر تصمیمات و اقدامات دستگاه‌های اجرایی و طرح شکایت به نیابت از دولت، حتی در مواردی که در دعوی نفع نیستند و یا ارائه گزارش توسط کارکنان بدون رعایت سلسله‌مراتب اداری، هم اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و هم منجر به ایجاد حس مسئولیت بین شهروندان شده و هم منجر به شفافیت اداری و مالی می‌شود (ترکی، ۱۳۹۷: ۴۳).

می‌توان گفت، اولین اقدام قانون‌گذاری برای حمایت از افشاگر در ایالات متحده صورت گرفت. به دنبال فجایعی که در دهه ۱۸۶۰ در ایالات متحده مطرح شد، به خصوص کلاه‌برداری پیمانکاران و فراهم‌کنندگان کالاها برای ارتش از طرقی چون بیش از حد جلوه دادن مقدار یا کیفیت محصول تحویل داده‌شده کم‌اظهاری بدهی به دولت و امثال آن در طی جنگ داخلی و عدم توانایی دولت در کنترل این فساد، موجب شد تا کنگره در سال ۱۸۶۳ قانون اظهارات غلط را تصویب نماید. این قانون مقرر کرد که هر فردی که آگاهانه اظهارات غلط را برای دولت افشا کند مبلغی به‌عنوان پاداش دریافت می‌کند. پس از آن قانون مزبور چندین بار از جمله در سال (۱۹۸۶) مورد اصلاح قرار گرفت و صدها بار توسط دادگاه فدرال تفسیر شد حتی تا بدان‌ها پیش رفت که مقرر داشت، هر فردی که اطلاعات مربوط به اعمال غلط خود را افشا نماید هیچ تعقیب کیفری، حقوقی و یا اداری نسبت به وی صورت نمی‌گیرد.

نتایج اجرای این قانون نشان از آثار بسیار مطلوب آن در مبارزه با فساد در ایالات متحده دارد. چنان‌که در سال ۱۹۸۶ که قانون مزبور به‌تازگی لازم‌الاجرا شده بود. آن از آثار سیار اور بالا را داده بود که میلیون دلار از مال دولت که از طریق نامشروع از دست‌رفته بود مسترد شد. در سال‌های بعد، این میزان افزایش داشته است؛ از جمله در سال ۱۹۸۹ بالغ بر ۳۰۰ میلیون در سال ۱۹۹۴ بالغ بر یک میلیارد دلار، که ۳۸۰ میلیون آن مربوط به پرونده‌های کیتام در بخش‌های بعدی توضیح داده‌شده است) بوده، در سال ۲۰۰۳ بالغ بر ۲/۲ میلیارد دلار بوده که ۴/۱ میلیارد دلار آن از پرونده‌های کیتام مسترد شده است. به دنبال موفقیت‌آمیز بودن این قانون حدود سی ایالت (و حتی برخی شهرداری‌ها) نسخه خاص خودشان را تصویب کردند. پس از آن سایر کشورهای کامن‌لا به تبعیت از تجربه ایالات متحده اقدام به ترویج نظام افشاگری کردند. امروزه بیشتر کشورها از بریتانیا، نیوزیلند، بلژیک و سایر کشورهای پیشرفته گرفته تا آفریقای جنوبی، کانادا، نامیبیا، غنا و هند، قانون خاص در این زمینه دارند نه تنها حقوق داخلی کشورها، بلکه اسناد بین‌المللی نیز به این امر توجه داشته‌اند؛ از جمله کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل (مواد ۳۲ و ۳۳) کنوانسیون میریدا (بند ۲ ماده ۱۳) کنوانسیون شورای اروپا از جمله کنوانسیون حقوق مدنی راجع به فساد (۱۹۹۹) و کنوانسیون حقوق کیفری راجع به فساد مصوب (۱۹۹۸)، کنوانسیون ضدفساد درون اروپایی کنوانسیون ضدفساد اتحادیه اروپا و امثال آن (حسنی، ۱۳۹۴: ۲۶).

با وجود آثار مطلوب این قانون در مبارزه با فساد به‌خصوص فساد اقتصادی، در اجرای آن موانع زیادی وجود دارد برای اینکه نظام حمایت از افشاگر به نحو مطلوبی عمل نماید، لازم است تا ابتدا موانع پیش‌رو شناسایی شده و سپس اصول و قواعد حاکم بر افشاگری از قوانین کشورهای مذکور استنباط شود.

۲- موانع پیش‌روی افشاگری

موانع متعددی بر سر راه افشاگری وجود دارد که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

۱-۲- ترس از اقدام تلافی‌جویانه و زیان بار

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مانع بر سر راه افشاگر اقدامات تلافی‌جویانه‌ای است که مفسدین ممکن است علیه افشاگر انجام دهند با توجه به اینکه در عمده موارد فساد توسط کارفرما و یا مقامات بالادست صورت می‌گیرد همواره احتمال انجام اقدامات تلافی‌جویانه و زیان بار برای افشاگر و خانواده وی حتی شهود و سایر افرادی که در ارتباط با افشاگری هستند وجود دارد. این اعمال بسته به اینکه افشاگر شهروند خصوصی باشد یا کارمند دولت متفاوت است. از جمله اقدامات تلافی‌جویانه علیه شهروند خصوصی می‌توان به مواردی چون تهدید آزار و اذیت آسیب‌های جسمانی، روانی و مالی یا هر نوع دخالت در زندگی یا کسب‌وکار وی و یا خانواده اشاره

کرد. در صورتی که افشاگر کارمند عمومی باشد علاوه بر موارد فوق اعمالی چون اخراج، تعلیق، عدم نیاز تنزل مقام خودداری از انتقال و ارتقا انتقال برخلاف اراده وی تغییر شرایط کار و بازنشستگی و سایر حالات استخدامی که به ضرر وی است تبعیض در استخدام و یا حرفه وی عمل تنبیهی و یا تهدید به هر یک از اعمال فوق نیز محتمل است این موارد در ماده ۵ قانون داد- فرانک ایالات متحده پیش‌بینی شده است (حسینی، ۱۳۹۵: ۷۳).

۲-۲- احتمال ارتکاب فعل مجرمانه

از آنجاکه برخی اعمال مجرمانه بوده و افشای آن برابر قوانین جرم محسوب می‌شود، مانند اسرار نظامی و دولتی، همواره این ترس وجود دارد که افشای عملی جرم تلقی شود. به همین خاطر از افشای آن خودداری می‌نماید قوانینی که اسرار اداری را مقرر می‌دارند، اغلب مانع اصلی تلاش‌های ضد فساد هستند؛ همچنین در برخی مواقع افشاگری یک عمل ناروا، ممکن است به نتیجه نرسیده و تهمت و افترای افشاگر محسوب شود و نامبرده به دلیل ترس از این عمل از افشاگری خودداری نماید.

۲-۳- مسئولیت حقوقی

در برخی موارد افشای اطلاعات به خصوص اطلاعات خصوصی و اطلاعاتی که در حوزه مالی و تجاری است ممکن است به سازمان یا کارفرما خسارت وارد کند و زمینه مسئولیت مدنی فرد افشاگر را فراهم نماید. برخی خدمات مدنی که کارمند اطلاعات آن‌ها را به دست می‌آورد، محرمانه تلقی شده و کارکنان مکلف به محرمانه تلقی کردن آن‌ها هستند. چنان‌که دادگاه عالی ایالات متحده در می ۲۰۰۶ حکم داد که کارکنان عمومی در زمانی که از بخشی از وظایف اداری خود صحبت می‌کنند تحت حمایت قانون اساسی قرار نمی‌گیرند.

۲-۴- موانع فرهنگی

یکی دیگر از مهم‌ترین موانع افشاگری، مانع فرهنگی است. در برخی جاها، افشاگران اساساً به‌عنوان آدم «آب زیرکاه»، «جاسوس»، «خبرچین» و امثال آن نگریسته می‌شوند. بعضی از این نگرش‌ها از سوءاستفاده خبرچین‌ها در طول تاریخ به وجود آمده است. این امر در درون سازمان نیز به شکل دیگری وجود دارد افشای اطلاعات توسط کارمند یک سازمان، آن‌هم برای یک فرد خارج از سازمان می‌تواند احساسی چون خائن بودن را به وجود آورد و مجازات‌های اجتماعی را به دنبال داشته باشد. همین عامل باعث می‌شود که فرد از افشای اطلاعات خودداری نماید. متأسفانه قانون‌گذار ایران در قانون ارتقای سلامت نظام اداری از واژه «مخبر» استفاده کرده ماده ۱۷ که همین عامل خود یکی از عوامل بازدارنده است.

۲-۵- امنیت ملی

مانع اصلی دیگر پیش روی افشاگری امنیت ملی است نهادهایی که درگیر حمایت از امنیت ملی هستند، مملو از سوءاستفاده نیز هستند مجرمانه بودن و فقدان نظارت برون‌سازمانی، باعث شده تا بیشترین و جدی‌ترین مفاسد در این بخش‌ها اتفاق بیفتند و افشاگران که به این بخش ارتباط پیدا می‌کنند به راحتی متهم به خیانت می‌شوند (زراعت، ۱۳۹۴: ۲۴).

۲-۶- سایر موانع

موانع متعدد دیگری بر سر راه افشاگری وجود دارد از جمله عدم آگاهی بسیاری از مرجع شاکری وجود دارد، از جمله عدد افشای فساد چنان‌که بسیاری از شهروندان نمی‌دانند که فساد را باید به کجا گزارش نمایند) عدم اهمیت به شکایات و گزارش‌های فساد عدم احساس مسئولیت بین شهروندان، شورای اثبات فساد و حتی عدم برخورد کافی دولت با افراد فاسد از دیگر موانع پیش روی افشاگری

محسوب می‌شود.

۳- معیارها و شاخص‌های حاکم بر نظام افشاگری مطلوب در نظام حقوقی مصر

برای طراحی یک نظام افشاگری مطلوب لازم است تا معیارها و شاخص‌های ذیل مدنظر قرار گیرد:

۳-۱- وضع قانون مستقل

یکی از راهکارهای افشاگری آگاهی مردم از این قوانین است گرچه در برخی کشورها در ضمن قوانین دیگر به مسئله افشاگری پرداخته شده است اما بهتر است که قانون مستقلی برای این امر وضع شود تا آن را قابل رؤیت برای شهروندان نماید. می‌توان گفت یکی از عللی که افشاگری در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفت عدم تصویب قانون مستقل و ذکر آن در ضمن قانون ارتقای نظام سلامت اداری است این امر از یک طرف و عدم اطلاع‌رسانی کافی از طرف دیگر باعث شده تا عموم مردم چندان به این امر واقف نباشند (ساریخانی، ۱۳۹۳: ۷۰).

۳-۲- قلمرو شمول گسترده

قانون مربوطه هر چه از قلمرو شمول گسترده‌تری برخوردار باشد امور بیشتری را در بر خواهد گرفت و در نتیجه افشاگری به نحو مطلوب‌تر و کامل‌تری اجرا خواهد شد. قلمرو شمول از چند بعد قابل بررسی است

الف- بخش‌های مشمول افشاگری

بهتر است که هم بخش عمومی و هم بخش خصوصی به خصوص مواردی که به نحوی مرتبط با منافع عمومی هستند را در برگیرد چراکه بسیاری از امور از بخش دولتی به بخش خصوصی منتقل شده و یا اینکه بسیاری از اموری که توسط بخش خصوصی انجام می‌شود مانند تولیدات و محصولات غذایی بهداشتی و ... بر، نظم امنیت و سلامت عمومی تأثیرگذار است.

ب- افراد صالح به افشاگری

نه تنها افرادی که ذی‌نفع هستند و یا متضرر شده‌اند بلکه سایر افراد کارکنان موقت مشاوران پیمانکاران کارکنان، سابق داوطلبین و شهروندان خصوصی نیز بتوانند دست به افشاگری بزنند. برابر اعلام سازمان توسعه و تعاون اقتصادی در اکثر کشورها از جمله بریتانیا، ترکیه نیوزیلند، اسوگانی، کره، ایرلند، آلمان و استرالیا تقریباً همه کارکنان و شهروندان می‌توانند اقدام به افشاگری کنند.

ج- اعمال قابل افشاگری

در قانون باید اعمال قابل حمایت در افشاگری مشخص شود تا فردی که قصد افشاگری دارد، با آگاهی از آن مرتکب جرم یا نقض قانون نشود. به علاوه در تعیین اعمال قابل افشاء نیز، نه تنها اعمال غیرقانونی، بلکه اعمال غیراخلاقی و خطرناک، از جمله تضییع گسترده اموال یا سوء مدیریت، سوء استفاده از مقام و قدرت خطرات مضر به سلامت و ایمنی فردی و جمعی یا محیط زیست و امثال آن را در برگیرد قانون حمایت از افشاگری بریتانیا در این زمینه از قلمرو شمول گسترده‌ای برخوردار است و افشاگری اعمالی چون اعمال مجرمانه نقض تعهدات، اعمالی که سلامت و ایمنی فرد و جامعه را به خطر می‌اندازند مخاطرات زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد، مشروط بر اینکه دلایل کافی و منطقی بر ارتکاب این اعمال وجود داشته باشد و اعم از اینکه این اعمال در سرزمین بریتانیا ارتکاب یافته باشد یا خارج از آن ولی قوانین بریتانیا بر آن حکومت نماید. ۳ برای جلوگیری از ارتکاب فعل خلاف قانون توسط افشاگر و با توجه به گستردگی اعمال قابل افشاگری بهتر است موارد استثنا در قانون مشخص شود موارد استثنا نیز برای جلوگیری از سوء استفاده مفسدین تاجایی که امکان دارد باید محدود باشد؛ به عنوان مثال، صرفاً اعمالی غیرقابل افشا تلقی شوند که جزو اسرار نظامی و دولتی و مربوط به امنیت ملی بوده و یا اینکه افشاگر مرتکب جرم از این طریق بشود این موارد در بخش ۲۹ قانون حمایت از افشاگری طریق بشود. این موارد در بخش ۲۹ قانون حمایت استرالیا نیز آمده است.

در طرح حمایت و تشویق مطلعین مفسد اداری و اقتصادی در بخش دولتی در ماده ۲ تقریباً تمامی دستگاه‌های اجرایی به جز دستگاه‌هایی که مرتبط با امنیت کشور هستند، مانند: نیروهای مسلح و وزارتخانه‌های اطلاعات دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح)

(تبصره ماده ۲) را مضمون این نظارت قرار داده است اما در بخش خصوصی صرفاً به مؤسسات خصوصی عهده‌دار مأموریت عمومی مانند قانون وکلا کانون کارشناسان رسمی دادگستری و امثال آن که به موجب قوانین و مقررات عهده‌دار بخشی از وظایف حاکمیتی هستند) (بنده) و کلیه شرکت‌ها و مؤسسات واگذار شده به بخش خصوصی به موجب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (بند و) اشاره کرده و سایر اشخاص از جمله آن‌ها که محصولات و خدمات مرتبط با سلامت و امنیت مردم را ارائه می‌دهند نیز ضروری است که مضمون طرح مزبور قرار گیرند (سلطانی فرد، ۱۳۹۷: ۳۲).

۳-۳- بسترهای حمایت از افشاگر

الف- حق شکایت به خاطر قربانی شدن

همان‌طور که پیش‌ازین گفته شد یکی از موانع افشاگری اقدامات انتقام‌جویانه‌ای است که ممکن است علیه افشاگر صورت گیرد توصیه ۱۹۹۸ سازمان توسعه و تعاون اقتصادی، در خصوص بهبود عملکرد اخلاقی کارکنان عمومی اولین قانون نرمی بود که اصول دیکته شده‌ای را برای حمایت از افشاگر ایجاد کرد در سال ۲۰۰۹ شورای سازمان مزبور توصیه مربوط به مبارزه با رشوه مقامات عمومی خارجی در معاملات بین‌المللی معروف به توصیه ضد رشوه) را صادر و ۴۱ کشور عضو میثاق ضد رشوه را تشویق کردند تا تدابیر مناسب برای حمایت از عمل تبیض‌آمیز و انتظامی علیه کارکنان بخش عمومی و خصوصی که با حسن نیت و دلایل منطقی به مقامات ذی‌صلاح عمل خلافی را گزارش می‌دهند ایجاد کنند بنابراین در مواردی که فرد مورد آزار و اذیت قرار گیرد یا در وضعیت استخدامی وی تغییری صورت گیرد که به ضرر وی باشد، باید حق شکایت به مراجع ذی‌صلاح و مستقل و خصوصاً مراجع قضایی را داشته باشد. حق شکایت به مراجع ذی‌صلاح در قانون حمایت از افشاگر کشور غنا (ماده ۱۵) مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۲۴ قانون حمایت از افشاگر نامیبیا نیز حق شکایت به کمیسیون را در این خصوص پیش‌بینی کرده است. در ایران نه در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و نه در طرح مزبور به این حق اشاره نشده است. گرچه حق دادخواهی به صورت کلی در اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیش‌بینی شده است.

ب حق برخورداری از معاضدت قضایی و حمایت پلیس

در مواردی که به تشخیص نهادهای ناظر و رسیدگی‌کننده در ارتباط با افشاگری، تحقیقات یا استماع نیاز به حمایت قضایی داشته باشد باید از معاضدت قضایی بهره‌مند شود. (ماده ۱۶ قانون حمایت از افشاگر (غنا به علاوه در مواردی که افشاکننده معتقد است که زندگی یا اموال وی و خانواده وی در معرض خطر است باید تحت حمایت پلیس قرار گیرد).

ج حمایت از شهود و دیگر افراد

اگر افشاگر بخواهد مستند گزارش خود را شهادت شهود قرار دهد باید شهود وی نیز مورد حمایت قرار گیرد. این حمایت در ماده ۱۳ قانون حمایت از افشاگر نامیبیا مصوب ۲۰۱۷ مورد توجه قرار گرفته است. به علاوه مقام ناظر در صورتی که تشخیص دهد چه شاکی و چه شهود برای جمع‌آوری اطلاعات نیاز به کمک دارند باید کمک‌های لازم را به آنان ارائه دهد. (ماده ۱۲ قانون حمایت از افشاگر هند مصوب ۲۰۱۴) علی‌رغم اهمیتی که بحث حمایت از شهود گزارش‌دهندگان دارد، متأسفانه نه در قانون ارتقای سلامت اداری و نه طرح حمایت پیش‌بینی نشده است، و به نظر دلیل آن نیز چرخه ناقص افشاگری است که در آن افشاگر صرفاً گزارش می‌دهد و در مراحل طرح شکایت و رسیدگی نقشی ندارد ولی حتی در همین چرخه ناقص نیز نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت چراکه یکی از لوازم موثق بودن گزارش مطلعین استناد وی به شهود است.

د- محرمانه بودن هویت شاکی جامع علوم انسانی

با توجه به اینکه احتمال اقدامات تلافی جویانه علیه افشاگر وجود دارد، یکی از اقدامات اساسی صیانت از وی محرمانه تلقی کردن هویت وی است لذا به جز در مواردی که خود وی هویتش را افشا می‌کند و یا دادگاه افشای هویت وی را ضروری تشخیص دهد، مراجع ناظر و این خصوص پیش‌بینی کرده است در ایران نه در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و نه در طرح مزبور به این حق اشاره نشده است. گرچه حق دادخواهی به صورت کلی در اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، ایران پیش‌بینی شده است.

م - حق جبران خسارت در برابر اقدامات تلافی جویانه

علی‌رغم مصونیت‌هایی که برای فرد افشاگر وجود دارد اما این امکان همواره باید وجود داشته باشد تا در صورتی که علیه وی اقداماتی صورت گیرد، بتواند جبران خسارت آن را از طریق مراجع ذیصلاح بخواهد همان‌طور که پیش‌ازین گفته شد، ممکن است اعمال زیان‌بار علیه فرد افشا کننده صورت گیرد که برخی از آنان می‌تواند خسارت مادی معنوی به دنبال داشته باشد؛ مانند اخراج، تعلیق، تنزل، رتبه امتناع از ارتقا اجبار به انتقال ایجاد شرایط کاری سخت رفتار تبعیض آمیز و امثال آن در این موارد باید خسارت وارده جبران شده و یا تبعیض ایجاد شده برطرف شود و حقوق ایام تعلیق به وی برگردانده شود.

در قانون ارتقای سلامت نظام اداری ماده ۱۷ باهدف جبران خسارت اشخاص مخبر یا گزارش دهنده تصویب شده است و در بندج این ماده نیز دولت را جانشین زیان دیده در مواردی که امکان جبران فوری صدمات و خسارات جسمی یا مالی از ناحیه واردکننده صدمه یا خسارت نباشد دانسته است (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۴۶).

۳-۴- وضع تشبیهات و تشویقات

طراحی سازوکار تشبیه مفسدین در جهت حمایت از افشاگران و تشویق افشاگران در کشورهای مختلف مهم‌ترین راهکار افشاگری تلقی می‌شود. در کنار وضع تشبیهات برای مفسدین، اعمال تشبیهات برای افشاگر و حتی اشخاص ثالث درگیر افشاگری برای جلوگیری از سوء استفاده از این موقعیت توصیه می‌شود. بنابراین سعی شده تا معیارهای مطلوب در این بخش در دو قسمت اعمال تشبیهات و مجازات‌ها و تشویق‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

الف- اعمال تشبیهات و مجازات‌ها

وضع مجازات‌ها را از سه بعد می‌توان بررسی کرد:

۱- اعمال مجازات برای افشاگر؛ گرچه مصونیت قضایی برای افشاگر می‌تواند مسیر را در افشاگری هموار نماید اما برای جلوگیری از سوء استفاده وی ضرورت دارد تا در مواردی که فرد عمداً و با آگاهی اطلاعات غلطی را افشا می‌کند یا قصد گمراه کردن دارد و یا اسناد و اطلاعات را معدوم کند و یا عمداً اطلاعات ناقص ارائه دهد برای آن مجازات در نظر گرفت. چنان‌که در قانون حمایت از افشاگر نامیبیا برای این دسته از اقدامات مجازات تا ۳۰۰۰۰ دلار جزای نقدی و یا حبس تا ۱۰ سال پیش‌بینی شده است ماده (۲۹) در هند نیز بابت افشای نادرست و بیهوده در صورتی که عمدی باشد حبس تا دو سال و جزای نقدی وجود دارد (ماده ۱۷).

گرچه برخی فراتر از این رفته و معتقدند که باید حتی برای کوتاهی از انجام وظیفه افشاگری نیز مجازات در نظر گرفت. اما برخی دیگر معتقدند که امکان مسئولیت کیفری برای گزارش همراه با سوءنیت اثر دلسردکننده بر افشاگر دارد و وی را از انجام این وظیفه باز می‌دارد و ضروری است تا تعادل بین تهدید به سوء استفاده از نظام حمایت از افشاگر و تشویق به افشاگری ایجاد کرد. به همین مناسبت بیشتر کشورهای عضو OECD تدابیری برای ممانعت از ادعاهای غلط ایجاد کرده‌اند؛ چنان‌که در قانون حمایت از افشاگری نیوزیلند تأکید دارد که افشاگر در صورتی می‌تواند اقدام به افشاگری نماید که به این درجه از اعتقاد رسیده باشد که دلایل منطقی مبنی بر عمل خطا یا نامناسب وجود دارد آنچه از این ماده قانونی استنباط می‌شود این است که به صرف اینکه گزارش افشاگر به نتیجه نرسید

نمی‌توان وی را مجازات نمود. ماده ۳۴ قانون ارتقای سلامت نظام اداری افشای اطلاعات برخلاف قوانین و مقررات را ممنوع اعلام و برای آن مجازات مندرج در قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳ در نظر گرفته است.

۲- مجازات مفسد؛ همان‌طور که سابقاً ذکر شد اقدامات تلافی‌جویانه و زیان‌بار علیه فرد افشاگر یکی از موانع اصلی افشاگری است برای جلوگیری از این امر، ضروری است تا در خصوص مقاماتی که علیه آنان افشاگری صورت می‌گیرد در صورتی که اقدامات زیان‌بار یا تلافی‌جویانه‌ای علیه افشاگر انجام دهند مجازات در نظر گرفته شود. در استرالیا، نه تنها اقدام زیان‌بار علیه افشاگر جرم است بلکه حتی تهدید به عمل زیان‌بار نیز جرم است.

از آنجاکه برخی مواقع اقدام تلافی‌جویانه یا زیان‌بار ممکن است در قالب شکایت به مراجع با شد و تا زمانی که رسیدگی نشده نمی‌توان آن را اقدام زیان‌بار تلقی کرد، یکی از ابزارهای حمایت از افشاگر این است که اثبات بی‌گناهی در این‌گونه شکایات بر عهده افشاگر نباشد. در نروژ زمانی که کارمندی اطلاعات را با دلایل ارائه می‌کند و معتقد است که به دلیل افشاگری تحت تأثیر عمل زیان‌بار قرار گرفته باید فرض را بر این گرفت که عمل زیان‌بار نسبت به وی اتفاق افتاده، مگر کارفرما خلاف آن را ثابت کند.

۳- همچنین با توجه به امتیازات و اقتدارات دستگاه و اقتدارات دستگاه اجرایی و کارفرما نسبت به نسبت به کارمند یا فرد افشاگر، باید نهاد و مقام مستقل باصلاحیت دریافت شکایات مربوطه به عمل زیان‌بار و وظیفه تعقیب و رسیدگی و صدور حکم را بر عهده داشته باشد. در طرح پیه شنهادی نمایندگان در ایران هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز علیه افشاگر را در حکم جرم موضوع ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی دانسته است (ماده ۷)

۴- مجازات مقامات رسیدگی‌کننده به افشاء؛ در بحث افشاگری بعضاً تکالیفی نیز بر عهده مقامات رسیدگی و نظارت بر افشاگری قرار دارد که برخی از آنان به‌عنوان مثال افشای هویت افشاگر جنبه مجرمانه دارد در هند افشای هویت افشاگر چه عمداً و چه سهواً مجازات حبس تا سه سال و جزای نقدی پیش‌بینی شده است (ماده ۱۶) در استرالیا مجازات ۶ ماه حبس یا جریمه برای افشای هویت وی پیش‌بینی شده است (بخش ۲۰) در قانون ارتقای سلامت نظام اداری ایران گرچه یکی از تکالیف ایجاد شده برای مقامات و کارکنان را عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت گزارش‌دهنده دانسته اما ضمانت اجرایی برای آن در نظر نگرفته و قاعداً باید مشمول قواعد عام جزایی باشد.

۴- استفاده از مشوق‌ها؛ ددرسرها، به خصوص خطراتی که افشاگری ممکن است برای افشاگر به دنبال داشته باشد، یکی از موانع پیش‌روی افشاگری محسوب می‌شود. استفاده از انگیزاننده‌ها برای تشویق افراد می‌تواند یکی از راه‌های جلب مشارکت افراد به افشاگری تلقی شود. یکی از مهم‌ترین راهکارهای جلب مشارکت شهروندان پاداش مالی برای افشاکنندگانی است که افشاگری آنان منتج به نتیجه شده است. در برخی کشورها از جمله ایالات متحده شهروندان خصوصی می‌توانند با آگاهی از اعمال خلاف قانون و نامناسب، حتی در مواردی که ذی‌نفع نیستند به نفع دولت به‌عنوان شاکی خصوصی طرح دعوا نمایند. این شکایت در ایالات متحده شکایت کی‌تام نام دارد؛ به این معنا کسی که در خصوص موضوعی که برای دولت طرح دعوا می‌کند به‌مثابه این است که برای خود شکایت می‌کند و بین ۲۵ تا ۳۰ درصد از هر خسارتی که به دست می‌آید، به‌عنوان پاداش دریافت می‌کند البته در زمان طرح دعوی دولت حق دارد که دخالت کند. اگر دولت دخالت کرد و با کمک دولت پرونده به نتیجه رسید درصد کمتری را دریافت می‌کند که میزان آن بین ۱۵ تا ۲۵ درصد از هر خسارتی که به دست می‌آید. ن آن سن ۱۵ تا ۲۵ درصد از هر دولت معمولاً در پرونده‌هایی شرکت می‌کند که معتقد است به نتیجه می‌رسد. شاکی همچنین می‌تواند هزینه‌های قانونی را نیز از خواننده دریافت دارد در ایالات متحده در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۲ حدود ۳ میلیارد دلار به افشاگران پرداخت شده است. این عمل به‌عنوان روشی برای بهبود و یا ارتقای نظام اداری ضعیف تلقی می‌شود که در آن افراد خصوصی به نفع دولت شکایت و پیگیری می‌کنند حتی در برخی کشورها مبالغی علاوه بر مبالغ مسترد شده حاصل از افشاگری برای تشویق افشاگران در نظر گرفته می‌شود تا بتواند افراد را تشویق به افشاگری نمایند. ۳ در کشور کره علاوه بر آن حتی برای اشخاصی که در ارتکاب فساد مشارکت داشته‌اند ولی در شناسایی شرکای جرم خود همکاری می‌کنند نیز مشوق‌هایی مؤثر قابل وضع است و در کشورهایمانند مغولستان نپال و فیلیپین مقررات امکان کاهش مجازات و حتی تبرئه این

اشخاص را فراهم کرده است (کلینی، ۱۳۸۸: ۲۱).

می‌توان گفت، یکی از مهم‌ترین موانع افشاگری در ایران، عدم وجود مشوق‌ها برای گزارش دهنده است و تنها به‌صورت کلی و مبهم مشوق‌هایی در ماده ۲۶ قانون ارتقای سلامت نظام اداری برای مقامات پیش‌بینی کرده است بیان مبهم گونه و ناقص قانون‌گذار باعث شده تا این بخش چندان مطلوب اجرایی نشود.

۳-۵- اصول تسهیل‌گر افشاگری

الف- تکلیف مدیران و کارفرمایان به فراهم کردن زمینه افشاگری

مدیران سازمان‌ها باید مطابق قانون رویه مکتوبی را ایجاد نمایند که افشاگر بتواند با امنیت لازم و به‌راحتی و در کمترین زمان ممکن اقدام به افشاگری نماید در نپوزیبلند نظام حمایت از افشاگر مقرر می‌دارد که گزارش باید به افرادی ارائه شود که امنیت لازم را دارند و یا صلاحیت دسترسی به اطلاعات را دارند؛ مثلاً تنها مقام صالح برای افشای اطلاعات امنیتی بازرسی کل اطلاعات و امنیت است. یکی از راه‌های تسهیل افشاگری، استفاده از خط قرمز (خط ۲۴ ساعته) است. در بریتانیا PCAW هات لاین مخصوص افشاگران تأسیس کرده است. در ایرلند این خط «اسپیک آپ» نامیده می‌شود که برای مشاوره و حمایت از شهود افشاگران و قربانیان فساد ایجاد شده است. در ایالات متحده بسیاری از دستگاه‌ها بر اساس قانون ساربانز-اوکسلی خط بیست و چهار ساعته برای دریافت اطلاعات ایجاد کرده‌اند. همچنین هر بازرسی کل یک نظام‌ها لاین دارد که به فرد اجازه می‌دهد تا به‌صورت محرمانه افشاگری کند. ۲ این گزارشات معمولاً مخفیانه بوده و فرد با اعتماد کامل می‌تواند دست به افشاگری بزند. به‌علاوه در کنار آن افراد می‌توانند از روش‌های دیگری مانند فکس، وب سایت، ایمیل، پست نیز استفاده کنند که به صورت شبانه‌روزی و در تمامی ایام سال فعال بوده و برای حفظ هویت افشاکننده به‌جای مشخصات، وی کد هویتی منحصر به فردی به وی تخصیص داده می‌شود و آن‌ها را قادر می‌سازد تا بعداً مخفیانه به‌منظور دریافت نتیجه آن و یا پیگیری مسائل به آن دسترسی داشته باشند. ۳ در ایران نیز ضروری است تا علاوه بر سامانه‌های شکایات و اعلام که در قوه قضائیه، سازمان بازرسی، سازمان تعزیرات حکومتی و امثال آن است طراحی شده در طرح تشویق و حمایت از مطلعین سامانه خاصی که به صورت تخصصی شکایات و گزارشات افراد را دریافت نماید پیش‌بینی شود و در آن به مسئله حفظ هویت افشاگران و دسترسی شبانه‌روزی به آن توجه شود.

ب- ممنوعیت درج شروط محدودکننده افشاگری بعضاً در بدو خدمت و یا در زمان انعقاد قرارداد استخدامی شروط ضمن عقد گنجانده می‌شود که کارمند و یا کارگر را از افشاگری منع می‌کند و یا اینکه به‌گونه‌ای است که افشاگر از افشای آن خسارت و امثال آن در نتیجه اطلاعات منصرف می‌شود و یا وی را از طرح شکایت برای جبران استناد

افشاگری منع می‌کند. این موارد مطابق ماده ۱۹ قانون حمایت از افشاگر غنا ممنوع است. در قانون کشور نامییا مقررات قرارداد استخدام و دیگر توافقات بین کارکنان و کارفرمای آن که خدام و دیگر توافقات بیر کارمند را از افشاگری منع می‌کند یا آثار مخرب برای کارمند در نتیجه افشا به دنبال داشته باشد، یا کارمند را از طرح شکایت برای جبران خسارت منع کند و امثال آن جزو شروط باطل است که قابلیت استناد در مراجع قضایی را ندارد (ماده ۵۰).

ج- اطلاع‌رسانی و آموزش

آگاهی از قوانین افشاگری و نحوه افشاگری می‌تواند تا حد زیادی زمینه افشاگری در جامعه را فراهم نماید. لذا دستگاه‌های اجرایی باید این‌گونه اطلاعات را در قالب منشور یا بخشنامه به کارکنان اطلاع داده و یا در معرض دید ارباب رجوع قرار دهند و یا اینکه

¹ Hot Line

² Speak Up

³ Sarbanes-Oxley

شهروندان را آموزش داده و آن را در قالب حق برای مردم توجیه کنند. از طرف دیگر برابر توصیه ۱۹۹۸ سازمان توسعه و تعاون اقتصادی مبنی بر بهبود عملکرد اخلاقی کارکنان، عمومی، آگاهی از حقوق و تکالیفشان در زمانی که عمل خطایی رخ می‌دهد تأکید شده است (اصل ۴).

ماده ۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری به تکلیف دولت به ایجاد دیدارگاه های الکترونیک و روش های مناسب دیگر برای اطلاع رسانی شهروندان اشاره دارد ضروری است تا به آموزش شهروندان در این خصوص توجه شود. همچنین ماده ۷ دولت را مکلف به تصویب منشور اخلاق حرفه‌ای کارگزاران نظام برای آگاهی از حقوق و تکالیف کارکنان نموده است. د- اعتماد سازی در تعقیب و پیگیری روش دیگر استفاده از مکانیسم تعقیب و پیگیری است. در صورتی افشاگر اطمینان پیدا می‌کند و دست به افشاکاری می‌زند که این تضمین وجود داشته باشد شکایات شان استماع می‌شود و در طی پروسه استماع مورد حمایت نیز قرار می‌گیرد (گرچی، ۱۳۸۳: ۲۷۰).

۳-۶- نظارت و ارزیابی

الف- نظارت

یکی دیگر از مهم‌ترین عناصر حاکم بر اجرای مطلوب هر قانون نظارت بر اجرای دقیق آن است. در خصوص اجرای قانون حمایت از افشاگر کشورهای مجری، آن نهاد یا مقامی را برای نظارت بر اجرای صحیح آن تأسیس کرده‌اند. برخی کشورها نهاد مستقل برای این امر دارند و برخی نیز نهاد وابسته که بخشی از وظایف آن مبارزه با فساد است در ایالات متحده اداره شورای خاص را به‌عنوان نهاد ناظر بر این قانون تأسیس کرده است که وظایفی چون ارائه پیشنهاد به سازمان درگیر، ارجاع پرونده نزد هیئت‌ها و مراجع ذی صلاح دریافت گزارش و تقدیم آن به نهادهای مربوطه را برعهده دارد. علاوه بر آن هیئت حمایت از نظام‌های صالح نهاد شبه قضایی مستقل با اختیارات تصمیم‌گیری از کارکنان در مقابل اعمال و رویه‌های غیرعادلانه محسوب می‌شود. در کانادا کمیسیونی تمامیت بخش عمومی برابر قانون حمایت از افشاگر مصوب ۲۰۰۵ وظایف مشابه را برعهده دارد. در برخی دیگر از کشورها این وظایف بر عهده آموذمن است. در نامی بیا دیوان نظارت بر حمایت از افشاگر وظایف بررسی شکایات رسیدگی، پذیرش و جبران خسارت، صدور دستور یا قرار در موارد ضروری و به‌طور کلی تحقیق و رسیدگی در خصوص گزارشات ارجاع شده را برعهده دارد ماده ۵۹ قانون حمایت از افشاگر). همچنین در خصوص جبران خسارت ناشی از اقدامات زیان بار علیه افشاگر به کمیسیونی کار به‌عنوان نماینده دائمی قانون کار می‌توان شکایت کرد (ماده ۵۹) قانون حمایت از افشاگر) در کره کمیسیون مستقل مبارزه با فساد علاوه بر وظایف اصلی خود وظیفه دریافت شکایت از افشاگران رسیدگی به آن و حتی اعطای پاداش را بر عهده دارد.

در طرح حمایت و تشویق مطلعین در ایران شورای حمایت و تشویق مخبران و شهود مفاسد اداری و اقتصادی پیش‌بینی شده که متشکل از رؤسای دستگاه‌های نظارتی رؤسای سازمان بازرسی و دیوان محاسبات، وزیر اطلاعات دادستان کل رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ و وزیر کشور یا نمایندگان آنان بوده و وظایفی چون سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی در این زمینه ارجاع گزارش موثق به مراجع رسیدگی نظارت بر حسن اجرا قانون مربوطه را عهده‌دار خواهد بود. ولی رسیدگی و صدور رأی بر عهده مراجع ذی صلاح است. رسیدگی و صدور رأی بر عهده مرا.

ب- ارائه گزارش

یکی از راهکارهای احراز اثر بخش بودن قانون افشاکاری و نظارت بر آن، ارائه گزارش به مقامات ذی صلاح است. در هند مقام ذی صلاح باید گزارش سالیانه اجرای فعالیت‌های خود را به دولت مرکزی یا ایالتی ارائه داده و یک نسخه از آن را به مجلس نیز تقدیم کند (ماده ۲۳). در نامیبیا نیز این مهم در ماده ۱۹ قانون حمایت از افشاگر پیش‌بینی شده است. انتشار گزارش سالیانه توسط نهادهای ناظر از جمله اطلاعات مربوط به نتیجه پرونده‌های دریافتی جبران خسارات و امثال آن باعث می‌شود تا دید عموم به لحاظ فرهنگی نسبت به این موضوع تغییر نماید و همچنین قابلیت اجرا اجرای مطلوب و آثاری که داشته است به سمع نظر مردم و مسئولین می‌رسد

در ایران شورای دستگاه‌های نظارتی موضوع ماده ۲۲۱ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه، وظایفی چون تهیه شاخص‌های اندازه‌گیری میزان سلامت اداری و اعلام عمومی آن‌ها، اندازه‌گیری میزان سلامت اداری به صورت کلی و اعلام نتیجه بررسی به مسئولان و مردم (ماده ۲۸ قانون ارتقای نظام سلامت اداری را بر عهده دارد (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۱).

فساد اقتصادی از منظر حقوق اسلام و راهکارهای پیشگیری از آن

مال در اصل، آن چیزی را گویند که در ملک کسی بوده و ارزش مبادله داشته باشد؛ پس هر آنچه که انسان می‌تواند از آن استفاده کند و قابلیت تملک داشته باشد مال محسوب می‌شود. اما در عرف، مالیت، اعتباری عقلایی معنا شده، که نشأت گرفته از چیزی است که موجبات پیدایش رغبت مردم در آن می‌شود، بطوریکه برای دستیابی به آن، از یکدیگر سبقت گرفته، منازعه نموده (طباطبایی، بیتا: ص ۳۲۵) و یا برای به دست آوردن آن بها پردازند. از این رو می‌توان بیان داشت میان لغت و عرف هماهنگی وجود دارد (بیستونی، ۱۳۷۷ ش: ص ۵)، اما شرح این هماهنگی را تعدیل نموده و مهر تأیید خود را بر مال و ملکی که منفعت حلال دارد می‌زند (موسوی خویی، ۱۴۲۰ ق: ۲/ ۴). «اقتصاد» به معنای اعتدال و میانه روی می‌باشد (فخرالدین طریحی: ۳/ ۱۲۷) و خروج از حد اعتدال تحت عنوان اسراف قرار می‌گیرد (افرام بستانی، ۱۳۷۰ ش: ص ۱۱۰)، و اصطلاحاً بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهایی که با صرف کمترین هزینه، بیشترین میزان بازدهی در تولید، توزیع و مصرف را حاصل می‌نمایند، گویند (کرمی، پورمند، ۱۳۸۱ ش: ۸/۲)؛ پس اقتصاد علمی است (صدر، ۱۳۴۹ ش: ۱۰/۲) که پدیده‌ها و رخدادهای اقتصادی انسان‌ها را بررسی نموده و با شناخت روابط حاکم میان آنها چگونگی استفاده از منابع تولیدی را جهت تأمین نیازمندی‌های اقتصادی و بهبود وضعیت جامعه ارزیابی می‌نماید (کرمی، پورمند، ۱۳۸۱ ش: ۹/۲).

حال اگر در استفاده از منابع مالی، روشی ناصحیح و غیراصولی مبتنی بر روش اقتصادی نادرست بکار گرفته شود، خروج از حد اعتدال رخ داده، که همانا فساد است. فساد در معنای عام آن یا در وجود خارجی است که با ایجاد اختلال در نظم و خروج از میزان اعتدال به وجود می‌آید: «اگر در آسمان و زمین غیر از خدای یکتا خدایانی وجود داشت همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می‌یافت، و اگر حق، تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنها است فاسد خواهد شد» (انبیاء/۲۱؛ مؤمنون/۷۱)؛ و یا فساد است که در اعمال رخ می‌دهد، که این نوع فساد با اختلال در اعمال و اخلاق در امور حاصل می‌گردد: «و چون آنان را گویند فساد در زمین نکنید، گویند: تنها ما کار به صلاح کنیم، گفتند آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خونها بریزند.» (بقره/۱۱؛ بقره/۳۰).

البته اختلال در امور به دو گونه رخ می‌دهد؛ نوع اول اخلاقی که در مقابل نظم تکوینی بروز مینماید همچون؛ قتل، تجاوز، ظلم، کفر، شرک، محاربه با اهل حق و تضییع حقوق؛ و نوع دوم اخلاقی که در تشریعات رخ می‌دهد همچون؛ فساد، اختلال در احکام الهی، قوانین دینی و مقررات اسلامی (مصطفوی: ۸۵)؛ این تقسیم بندی بدان معنا نیست که، اخلاقی که در مقابل نظم تکوینی رخ می‌دهد کاملاً معجزاً، منفک و بی‌تأثیر در اخلاقی است که در تشریعات بروز می‌نماید بلکه این دو کاملاً از یکدیگر متأثر هستند؛ زیرا اسلام که دینی و حیانی است، از سرچشمه مطلقه آفرینش صادر گشته؛ از اینرو اقتضا می‌کند، که با نظم تکوینی موجود در جهان خلقت کاملاً هماهنگ باشد.

اسلام با نگاهی متفاوت مال و ثروت را عطایی الهی معرفی نموده «بگو چه کسی زینتهای الهی و روزی‌های پاکیزه را که خداوند برای بندگان خود آفریده حرام کرده است؟» (اعراف/۳۲)؛ و به عنوان یک وسیله موثر، کارساز و قابل تکیه جهت وصول به اهداف متعالی معرفی مینماید، آن را مایه قوام جامعه انسانی دانسته و مردم را موظف میدارد که به وسیله استفاده صحیح از اموال و دارایی‌ها، آنها را منشأ تولید مایحتاج بشری قرارداده و نیازهای ضروری دنیوی را برطرف سازند. از اینرو بشر قطعاً به برنامه ریزی جهت استفاده از منابع موجود و تلاش به منظور دستیابی و آماده سازی سایر منابع تولید و حتی شناسایی منابع جدید نیازمند است. علوم اقتصادی نیز با هدف تبیین چگونگی بهره‌مندی از منابع طبیعی، ارائه روش‌های کارآمد، تنظیم قوانین و مقررات، معرفی نهادها و سازماندهی آنها، بیان آثار

حقوقی و اقتصادی فعالیت های اقتصادی پا به عرصه وجود گذارده اند چرا که استقلال هر جامعه در گرو برخورداری از اقتصاد سالم و رفع کمبودهاست، زیرا بسیاری از وابستگی های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نیز بروز مفاسد اجتماعی از عدم کارایی اقتصادی جوامع انسانی سرچشمه می گیرد.

اما نکته قابل تأمل این است که عالم اراده و اختیار در انسانها تحت تأثیر گرایش های اعتقادی و فرهنگی بوده که به دانشمندان علوم انسانی اجازه نمی دهد تا بتوانند همانند علوم طبیعی، دست به آزمایش کنترل شده زده و اراده انسانی را در اختیار آزمایشات خود قرار دهند (کریمی، پورمند، ۱۳۸۱ ش: ۱۳/۲). همین تأثیرها و گرایش های اعتقادی، فرهنگی و علمی باعث گردید مکتب های گوناگونی در عرصه علم اقتصاد رخ بنمایانند که دسته ای بر محوریت باورها و ارزش های انسانی بوده و ساخته ذهن آدمی می باشند، و دسته دیگر، ارزشهایی آسمانی و الهی دارند. «هر مکتبی خطوط کلی و اصول ارزشهای مورد نظر جامعه اش را برای وصول به اهداف معینی در قالب طرحی هماهنگ ارائه میدهد» (همان: ۱۰)، پس یک مکتب اقتصادی شامل مجموعه ای منظم و هماهنگ از نظریه های بنیادین اقتصادی است که با توجه به اصول و ارزش های مورد توافق یک جامعه به قصد پیشگیری و برطرف سازی مشکلات اقتصادی شکل می گیرد و با توجه به همین اصول، نظام اقتصادی آن مکتب نیز شکل میگیرد و سیاست های اتخاذ شده برای دستیابی به این اهداف، سیاست اقتصادی نامیده می شوند؛ در واقع سیاست اقتصادی «تدابیر خاص دولتها برای وصول به اهداف معین است» (صمدی، ۱۳۷۸ ش: ۸)؛ اعمالی از قبیل جلوگیری از احتکار مطلق کالا، محدود کردن واردات و صادرات، تولید و توزیع، مصرف و مسائلی از این دست که رهبر، دولت یا ولی یک جامعه یا حتی عاملین و راهبران یک مکتب، وضع، تعیین و اجرا میکنند، در دایره این سیاست ها قرار میگیرند. خلاصه آنکه «اقتصاد اسلامی مجموعه ای از مباحث مکتب اقتصادی، نظام اقتصادی و علم اقتصاد می باشد که با روش خاص خود و با توجه به فرهنگ، بینش و ارزش های اسلامی تنظیم و ارائه میگردد» (کریمی، پورمند، ۱۳۸۱ ش: ۱۷/۲). ناگفته نماند از نظر اندیشه ورزان اسلامی، اقتصاد اسلامی، علم نیست؛ بلکه مکتب است. مقصود آنکه «اسلام دینی است که علاوه بر مسئولیت دعوت به یک نظم حیات اقتصادی، جهات دیگر زندگانی را نیز درمان میکند» (صدر، ۱۳۵۰ ش: ۲/ ۱۰ و ۴۰۳)؛ پس «مکتب اقتصادی اسلام، شامل نظریاتی است که از اصول ارزش های اسلامی برخاسته و مبنای حقوق، قوانین، مقررات و سیاست گذاری های اقتصادی قرار می گیرند؛ در واقع مکتب اقتصادی اسلام با مد نظر قراردادن احکام، مقررات شرعی، مفاهیم و بینش های اسلامی، توسط دانشمندان دینی در چارچوب روش اجتهاد به دست می آید» (کریمی، پورمند، ۱۳۸۱ ش: ۱۱/۲). با در نظر گرفتن این حقیقت که وظیفه مکتب اقتصادی، ارائه راه حلی سازگار با مفهوم عدالت خواهی است، تعبیرات دوگانه حلال و حرام عناوینی می باشند برای نشان دادن ارزش های مورد قبول اسلام، که تمام روابط اجتماعی را در بر می گیرد. از این رهگذر سیستم اقتصاد مکتبی در اسلام کاملاً نمایان می گردد؛ زیرا هر یک از این روابط اگر به طور عادلانه تنظیم شده باشد «حلال» و در غیر این صورت «حرام» است. علاوه بر این تفاوت الهی که به دلیل نداشتن حقوق و مقررات مدون، نیازمند تأسیس مکتبی می باشند که احکام و مقررات و سیاست گذاری ها را بر مبنای آن تنظیم نمایند و به همه هدف مشخص و معینی دهند؛ مکتب اقتصادی اسلام با استفاده از منابع اسلامی توسط فقهای دینی در چارچوب روش اجتهاد و علم فقه به دست می آید، زیرا در میان این منابع، مکتب اقتصادی اسلام ارائه نشده است و تنها مجموعه ای از احکام، حقوق و مفاهیم می باشند که با دقت نظر در آنها و یافتن رابطه تنگاتنگ میان آنها، میتوان اصول کلی و نظریات اساسی مربوط به مکتب اقتصادی را کشف کرد؛ نظم و ارتباط بین احکام، حقوق، بینشها و ... از وجود چارچوب و طرحی کلی در مقام تشریحی و اراده الهی حکایت مینمایند که همانا هدف اقتصادی و اساسی اسلام را نمایان میسازند. در بینش اسلام، خداوند متعال انسان را آزاد و مختار آفریده است و هیچکس حتی دولت حق سلب آزادی و اختیار وی را ندارد؛ اما در کنار اصل آزادی، خداوند بیان می دارد که انسانهایی با ظاهری فریبنده اما باطنی مفسده جو وجود دارند که سبب آسیب رساندن به آزادی مردم و هرج و مرج طلبی در جامعه می شوند «از مردم کسانی هستند در ظاهر خیلی زیبا و پسندیده سخن می گویند ولی وقتی دست یابند حاکم شوند در راه فساد در زمین و نابودی زراعتها و حیوانات میکوشند» (بقره/ ۲۰۴-۲۰۵)، که سبب می شوند اجرای قطعی اهداف و آرمان های اسلامی بدون دخالت یک دولت مقتدر و واحد، دشوار می باشد و اینجاست که حکومت ابزاری جهت تحقق بخشیدن به اهداف مادی و معنوی، حاکمیت ارزش های الهی و انسانی و

وسیله ای جهت مهیا نمودن بستر مناسب رشد و تعالی انسان می‌گردد (مطهری، ۱۳۷۴: ش ۲۱۱/ ۲۱۳). از مطالعه منابع دینی می‌توان، تحکیم ارزش‌های معنوی اخلاقی و توسعه معنویات، برپایی عدالت اجتماعی، دستیابی به خودکفایی و استقلال مالی و توسعه رفاه عمومی، را به عنوان عمده اهداف اقتصادی حکومت اسلامی بر شمرد. دخالت حکومت‌ها در مسائل اقتصادی از باب مصلحت و اقتضای جامعه اسلامی مجاز شمرده شده؛ اما حیطة عملکردی آن تنها محدود به نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی که توسط بخش خصوصی انجام می‌پذیرد نیست، بلکه در بسیاری از موارد دارای حق دخالت به طور مستقیم می‌باشد، از جمله: اجبار بر انجام فعالیت‌های اقتصادی خاص و تعیین ضوابط کار و کارگری، اجبار بر فروش و اجاره در موارد خاص، منع از تولید و واردات کالاهای خاص، وضع مقررات استفاده از منابع طبیعی، قیمتگذاری برخی کالاها و خدمات. برای روشن شدن بهتر مفهوم فساد مالی از دیدگاه اسلام، باید بدانیم که اولاً خداوند هر آنچه را که آدمی برای رفع حوائج واقعی خود نیاز دارد در دسترس او قرار داده است. «خداوند باران را موجب رویدن زندگی انسان از دل زمین قرار داده است» (انعام/۹۹)؛ «دریاها را برای کشتیرانی در اختیار آدمی قرارداد» (ابراهیم/۳۲)؛ «ستارگان را که وسیله راهیابی در دریا و خشکی می‌باشند برای انسان آفرید» (انعام/۹۷)؛ ثانیاً یکی از مأموریت‌های انسان، آباد کردن زمین معرفی شده است، «اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت» (هود/۶۱)؛ که عمل به این مأموریت موجب میشود تا آنچه در طبیعت به طور مواد خام و مواد زیرزمینی و قابل کشت جهت رفع نیازهای بشریت قرار داده شده است، برای رفع نیازهای وی به صورت کالاهای قابل مصرف درآمده و در اختیار عموم قرار گیرند؛ با وضع مقررات زیاد، امکانات اولیه موجود در اقتصاد را به صورت عادلانه بین تمامی کسانی که درصدد فعالیت‌های اقتصادی هستند تقسیم فرموده است که اگر به آنها عمل شود همگان به طور یکسان به امکانات دسترسی خواهند داشت و ریشه همه رانت خواری بازار خواهد خشکید؛ وضع مالیات‌های واجب از قبیل خمس و زکات، توصیه اکید به انفاق و حق معلوم (حکیمی، آرام: ۳۰۹/۳)، زمینه رفع نیاز کسانی که توانایی کار ندارند یا هزینه‌هایشان بر درآمدهایشان پیشی گرفته را فراهم آورده است؛ ارکان مهم حیات اقتصادی در جوامع بشری دادوستد بین آنهاست و زندگی بدون معامله و تجارت ناممکن است که اسلام ضمن مشروع دانستن دادوستد مقررات بسیار زیادی را در این زمینه وضع نموده و با جایز دانستن کسب سود در انواع معاملات، رعایت عدالت و تأمین حقوقی دو طرف را لازم شمرده، کم فروشی را ممنوع دانسته، ربا و رشوه را تحریم کرده، سوءاستفاده از فرصت‌ها را درست ندانسته، از دلالتی‌های غیر مفید نهی فرموده است و ... (دادگر، معصومی نیا، ۱۳۸۳: ش ۱۳۳/۱۳۰)، که با توجه به همه موارد ذکر شده، می‌توان گفت، هرگونه انحراف از ضوابط شرعی در تمامی زمینه‌های تخصیص منابع یا در عرصه توزیع درآمد و چه در بازار کالاها و خدمات فساد مالی است. انحراف در هر یک از این زمینه‌ها، در تمامی بخش‌های اقتصاد آثار تخریبی بجای خواهد گذارد. مثلاً استفاده ناحق گروه خاصی از امکانات اولیه و محروم کردن دیگران، فقط عدالت در تخصیص منابع را خدشه‌دار نمیکند، بلکه اثر مخربی بر توزیع درآمد میگذارد و بازار کالاها و خدمات را به سمت انحصاری شدن سوق خواهد داد (همان: ۱۳۰). برخی از مصادیق مفاسد اقتصادی از جهت زمینه‌سازی بروز و شیوع سایر مفاسد سوءتأثیر بیشتری را دارا هستند از جمله: رباخواری، که آثاری همچون از بین رفتن روحیه تعاون و احسان، افزایش روحیه آز و طمع در انسان، ترویج کینه و دشمنی، ترک تجارت و کاهش تولید را به دنبال دارد. احتکار، که از جمله عوامل کاهش عرضه کالا در بازار و افزایش قیمت بازار است، «ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید» «ولی از حد نگذرانید، چرا که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (بقره/۱۶۸؛ اعراف/۳۱). اسراف که آثار زیان‌باری همچون روی برگردانی نعمت از مسرفان و کاهش برکت زندگی ایشان، از بین رفتن مال، زیان‌رسانی به بدن، زمینه‌سازی فقر، ایجاد مصیبت‌ها و بیماری‌ها و بلاها را به دنبال دارد. غصب، در قرآن کریم میخوانیم «اموال یکدیگر را در بین خود به باطل نخورید و این اموال را به حکام - زمامداران امور و قضات - نرسانید به منظور اینکه قسمتی از اموال مردم را آگاهانه به گونه گناه و معصیت بخورید» (بقره/۱۸۸). رشوه، که یکی از شیوه‌های کاری مخالفان یک حکومت، دولت، نظام و یا موافقانی است که برای پیشبرد اهداف شخصی خود، حاضرند دست به هر نوع اقدامی بزنند؛ اینگونه افراد به جذب مسئولان و افراد دارای پست‌های حساس هستند پرداخته و برای استفاده ابزاری از آنها در راستای اهداف خویش، از شیوه رشوه استفاده میکنند. «از اموال یکدیگر به صورت نادرست استفاده نکنید و مال بیشتر به حاکمان رشوه ندهید» (بقره/۱۸۱). سرقت، از احادیث و آیات پیرامون سرقت

برمیآید که شیوع دزدی در جامعه در واقع پیدایش راه ساده برای به چنگ آوردن رنج سایرین است، که رواج آن موجب می شود دیگر هیچ فردی به خود زحمت تلاش فردی برای کسب را نداده و جامعه به تدریج دچار رکود شده و همگان در پی به دست آوردن ماحصل تلاش سایرین بدون پرداخت بهایی باشند؛ اینگونه امنیت اقتصادی دچار مشکل شده و صنایع و تولیدات رشدی نخواهند نمود. بر اساس دیدگاه اسلام، طبیعت قادر است همه نیازهای زندگانی انسان را تضمین نماید «این خداوند است که ... انواع نعمت هایی که خواستید به شما عطا فرمود ...» (ابراهیم/۳۲)، و معضل واقعی را در تضاد بین شکل تولید و روابط توزیع نمیداند، بلکه معضل را نشأت گرفته از خود انسان میداند، نه طبیعت یا اشکال تولید. عواملی همچون حاکمیت تفکر غیردینی، وجود مسئولان و مدیران اقتصادی نالایق، حاکمیت روحیه مال دوستی در بین مسئولان اقتصادی و مردم میتوانند اقتصاد و جامعه اسلامی را آلوده سازند و موجبات پیدایش و بروز مصادیقی از فساد مالی در حکومت اسلامی شوند؛ مانند: فقر مالی و فقر روانی، تبعیض و پایمال شدن حقوق ضعیفان، خدشه دار شدن دینداری مردم در اثر فقر ناشی از شیوع فساد مالی، پیدا شدن امتیازات ویژه برای گروهی خاص، محور واقع شدن فعالیت های ناسالم، نفوذ مفسدین در بدنه حکومت، ناامیدی عاملان مثبت، بدبینی جامعه نسبت به پیاده شدن احکام اسلام، ایجاد وابستگی برای حکومت و مردم به بیگانگان، زوال اخلاق فردی و اجتماعی و در نهایت سرنگونی و هلاکت جامعه. اما راه حل چه میشود؟ آموزه های اسلامی برای مبارزه و مقابله با مفسد مالی اول بر عوامل درونی که از درون، انسان را ملزم به رعایت حلال و حرام و مرزهای قانونی مینمایند تأکید ورزیده و سپس به عوامل بیرونی که از خارج از وجود انسان، او را وادار به پرهیز از مفسد مالی مینمایند می پردازد، اما لزوم اجرا و عملی ساختن این عوامل به عهده رهبران و حاکمان اسلامی بوده و در حیطه وظایف دولت اسلامی قرار میگیرند. دستهای از این عوامل جنبه پیشگیرانه داشته و دستهای دیگر جنبه مبارزاتی دارند، از جمله: تقویت باورها و تقیّدات درونی مردم؛ انتصاب کارگزاران عالم و عادل؛ استفاده از اختیاراتی خاص به منظور دستیابی به اهداف اقتصادی؛ اجرای صد در صد قوانین عادلانه تدوین شده واضح؛ شناسایی و رفع نقاط مختلف آسیبپذیر اقتصاد به طور دائم؛ اجرای راه حل های مدون برای مشکلات اقتصادی رواج یافته؛ نظارت - نظارت فردی، نظارت دولت - مجازات عادلانه و قاطعانه متخلفین اشاره نمود.

نتیجه گیری

امروزه یکی از مهم ترین راهکارهای مبارزه با فساد اداری و اقتصادی در دولت های مردم سالار استفاده از ظرفیت های اجتماعی از جمله نظام افشاگری توسط شهروندان است. این راهکار ضمن اینکه هزینه و نیروی کمتری را برای دولت به دنبال دارد حس مسئولیت را در شهروندان افزایش داده و منجر به اعتمادسازی نسبت به دولت می شود. در ایران به صورت پراکنده راهکارهایی برای مبارزه با فساد پیش بینی شده که چندان موفق نبوده است. یکی از مهم ترین این قوانین قانون ارتقای سلامت نظام اداری است که در ماده ۱۷ آن به افشاگری پرداخته است. علی رغم اینکه چندین سال از اجرای آن می گذرد اما چندان اثر بخش نبوده است؛ به همین مناسبت نمایندگان مجلس اخیراً طرح حمایت و تشویق مطلعین مفسد اداری و اقتصادی را مطرح کردند. متأسفانه علت اصلی این امر عملکرد تقنینی بدون کارشناسی بایسته و تعجیل قانون گذار در تصویب قانون است که باعث می شود یک قانون به دلیل نقصان چندین بار مورد اصلاح و بازنگری و حتی تعمیم قرار گیرد. گرچه طرح حمایت و تشویق مطلعین نیز مستثنا از این امر نیست و بهتر است بیش از آنکه ترجمه قوانین کشورهای دیگر باشد، متناسب با مقتضیات جامعه ایرانی کارشناسی لازم در خصوص آن صورت گیرد تا نقاط قوت و ضعف آن قبل از تصویب در مجلس آشکار شود.

امروزه با توجه به گستردگی فساد اداری و اقتصادی استفاده از ظرفیت نیروهای اجتماعی در امر مبارزه با فساد در کنار سایر سازوکارهای موجود است اولین اقدام تصویب قانون مستقل با عنوان حمایت از افشاگر یا گزارش دهنده است تا عموم مردم از این مسئله آگاهی یابند؛ چراکه شرط اول اجرای آن آگاهی از موضوع است. دوم، قلمرو شمول آن باید گسترده بوده و تمامی بخش ها از جمله بخش عمومی و دولتی و بخش خصوصی که در ارتباط با سلامت و امنیت عمومی هستند را در برگیرد و همه افراد بتوانند اقدام به افشاگری نمایند. مهم تر از آن امکان شکایت توسط افراد به نفع دولت، اعم از اینکه ذی نفع باشند یا خیر پیش بینی شود و برای تشویق

افراد به این امر، در صورت به نتیجه رسیدن شکایت آنان مبلغی از اموال مسترد شده را به‌عنوان پاداش دریافت نمایند.

سوم، ترویج فرهنگ افشاگری، بخصوص تغییر نگرش مردم نسبت به این عمل است. اولین قدم این است که از کاربرد اصطلاحاتی که نگرش بدبینانه در جامعه نسبت به افشاگر ایجاد می‌کند؛ مانند مخبر خبرچین و امثال آن خودداری شود.

چهارم، اینکه آموزش کافی به شهروندان و کارکنان در این خصوص داده شود و اطلاع‌رسانی کافی نیز صورت گیرد؛ به‌خصوص آگاهی از این مسئله که شهروندان می‌توانند دست به افشاگری بزنند و بابت این کار نیز پاداش دریافت دارند و همچنین آگاهی از حقوق و تکالیف در این زمینه می‌تواند نقش مؤثری در اجرای مطلوب نظام حمایت از افشاگر داشته باشد. پنجم، از افراد در مقابل اقدامات انتقام‌جویانه حمایت شود؛ به‌خصوص در مواردی که مقامات دیگر به دلیل افشاگری علیه افشاگر طرح دعوا می‌کنند مصونیت داشته باشد. سایر حمایت‌ها از جمله محرمانه بودن هویت افشاگر حمایت از شهود و امثال آن نیز پیش‌بینی شود.

درنهایت نهاد ناظر مستقل و مقتدری بر این قانون تشکیل شود و میزان اقتدار آن به‌قدری باشد که بتواند با استقلال و بی‌طرفی کامل گزارشات مربوط به فساد در تمامی بخش‌های دولتی و خصوصی را نظارت و رسیدگی نمایند.

از سوی دیگر، مفاسد اقتصادی نوعی انحراف از ضوابط شرعی در تخصیص منابع، توزیع درآمد، بازار و خدمات است و آسیب‌های جبران‌ناپذیری نظیر فقر، شکاف طبقاتی، تبعیض و تضییع حقوق مردم، رانت خواری و انحطاط اخلاق فردی و اجتماعی را در پی دارد. از این رو پیشگیری و رفع مفاسد مالی در جامعه همواره مورد نظر شارع مقدس بوده و آیات فراوانی در این زمینه فرود آمده است. رسول خدا(ص) و امامان معصوم(علیهم السلام) نیز توصیه‌هایی چند داشته‌اند. مقاله حاضر برخی از مفاسد اقتصادی، عوامل و آثار آن را هم با استناد به منابع قرآنی و روایی و به روش توصیفی، معرفی و تبیین کرده است. از نتایج حاصل از این پژوهش آن است که دخالت حکومتها در مسائل اقتصادی در باب مصلحت و اقتضای جامعه اسلامی مجاز شمرده شده و فقیهان اتفاق نظر دارند که ولی امر مسلمین در منطقه مباحات شریعت می‌تواند با وضع قوانین، مردم را به انجام کاری امر کند یا از ارتکاب عملی بازدارد. پس حکومت اسلامی تنها وظیفه نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی که از سوی بخش خصوصی انجام می‌پذیرد را ندارد بلکه در بسیاری از موارد دارای حق دخالت مستقیم و وضع قوانین است.

منابع

منابع فارسی

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هب الله. (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه، انتشارات مکتبه آیت الله المرعشی النجفی(ره) ایران قم جلد (۱).
- بجنوردی، محمد حسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه، ج ۱ و ۲ محققین مهدی المهریزی - محمد حسین الدرایتی، الطبعة الاولى، قم، نشر الهادی.
- ترکی هرچگانی، غلامعباس، شامبتاتی هوشنگ؛ رهامی محسن (۱۳۹۷) بررسی فقهی حقوقی فساد مالی در آئینه سیاست جنایی تقنینی ایران، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۱ شماره ۲۰
- حسینی، جعفر؛ نسربین مهرا (۱۳۹۴) نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناختی دوره ۲، شماره ۲ و ۳.
- حسینی، سیدحسین، اسمعیل زاده لیدا (۱۳۹۵) جنبه‌های عوام‌گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی رفاه اجتماعی، دوره ۱۴، شماره ۵۴.
- دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری. (۱۴۱۵ ه.ق). المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات، قم، انتشارات دار الحکمه چاپ چهارم.
- زراعت، عباس (۱۳۹۱)، حقوق کیفری، اقتصادی، انتشارات جنگل، جاودانه.
- ساریخانی، عادل، آقا بابا بنی، اسماعیل (۱۳۹۳)، واکاوی مستندات فقهی اعدام تعزیری، حقوق کیفری، شماره ۸.

- سلطانی فرد، حسین و همکاران (۱۳۹۷) آیین دادرسی جرائم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، مجله مطالعات حقوقی شماره ۲۹ طباطبایی، محمد حسین، (بی تا) المیزان فی التفسیر قرآن، ج ۲، قم: موسسه النشر الإسلامی.
- عباسی، حمید (۱۳۹۵) سیاست کیفری ایران نسبت به جرائم اقتصادی تحقیقات جدید در علوم انسانی سال دوم، شماره ۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، الکافی، تهران دار لکتب، چاپ سوم، جلد ۷.
- گرگی، ابوالقاسم، (۱۳۸۳) آیات الحکام (حقوقی - جزایی) تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۳)، بایسته های حقوق جزای عمومی ۱ و ۲، چاپ بیست و دوم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰ ق) المقنعه، قم، جامعه مدرسین .
- نراقی، ملا احمد، (بی تا) مستند الشیعه فی احکام الشریعه، انتشارات آل البيت الاحیا التراث، ج ۱۴.

منابع انگلیسی

- Muthomi, Thiankolu, "The Anti - Corruption and Economic Crimes Act", Has Kenya Discharged Her Obligations to Her Peoples and the World? LL.B. (Hons.) Nairobi. 2006
- Jose, Rico. (2012). Notes luniversite a letude de la Criminalite des affaires, luniversite dc monteral.
- Sjogren, Hans., Goran, Skogh. (2004). New Perspectives on Economic Crime ", Edward Elgar Publishing Limited, U.K.